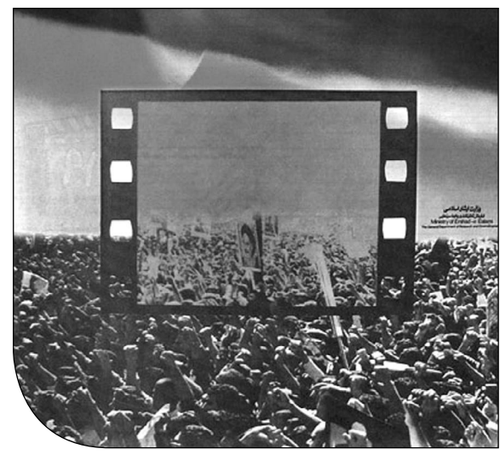

نسبت سینمای ایران با اندیشه های امام خمینی(ره)

تردد میان آفتاب و تاریکی

■ آرش فهیم

امسال هم طبق معمول هرسال، نیمه خرداد، همچون سایر مردم، موسم تجدید بیعت مدیران و اهالی سینما با امام خمینی(ره) بود. آن ها دو روز قبل –شنبه- در حسینیه جماران حضور یافتند تا وفاداری خود به راه امام راحل را اعلام کنند. به ویژه اینکه می دانیم –و سینمایی ها بیش از هر کس می دانند- دم مسیحایی امام بود که به سینمای مرده ایران حیات بخشید. سینمایی که تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به طور واقعی زنده نبود. اگر معنای زنده بودن را حرکت و پویایی بدانیم، چنین مشخصه ای در سینمای آن دوران دیده نمی شد.

آنان که وضعیت سینما در دوران رژیم پهلوی را به یاد دارند، تأثیر شگرف و حیات بخش انقلاب اسلامی و خاصه، فرمانده بزرگ این انقلاب بر هنر هفتم ایران زمین را بهتر درک می کنند. سینمایی که به جز موارد بسیار نادر و کم نظیر، ابزاری در جهت تخریب فرهنگ و تحقیر مردم بود. این وضعیت در سال های ۵۶ و ۵۷ به اوج رسید و در عمل، سینمای ایران به ورطه مرگ افتاد.

با این حال، رخداد انقلاب فرصت تازه ای را برای سینما پدید آورد تا بار دیگر بر فراز ویرانه سابق، آبادی تازه ای ایجاد شود؛ به این ترتیب سینمایی نوین شکل گرفت و نه تنها مانند سابق، مایه شرم و ننگ نبود که برای دوستدارانش مایه افتخار شد.

منشأ اصلی این تحول، به سخن تاریخی حضرت امام؛«ما با سینما مخالف نیستیم، با فحشا مخالفیم» برمی گردد. این که از یک طرف انقلاب، بنای حذف هنر هفتم را ندارد و از طرف دیگر، راهنمایی شد برای این حقیقت که سینما تنها با پایبندی به انسانیت می تواند راه روشنی را در پیش گیرد.

حالا پس از ۳۴ سال از آن زمان و ۲۴ سال از سفر جاودانه امام خمینی(ره) برای بسیاری جای پرسش است که سینما برای امام چه کرد؟ امام سینما را از منجلاب و مرگ به ورطه سلامت رساند اما سینما هنوز نسبت به نجات دهنده خود ادای دین نکرده است. ادای دین سینما به ناجی اش تنها به معنای ساخت فیلم درباره آن حضرت نیست.(متأسفانه برخی از فیلم های ساخته شده با این موضوع نه تنها ادای دین نیستند که وهن امام محسوب می شوند) سینمای ایران زمانی می تواند این دین را ادا کند که در مسیر پویایی و نوآوری حرکت کند. اما طی ۱۶ سال گذشته سینمای کشورمان –به طور عمده- مسیر معکوسی را در پیش گرفته است؛ سینمای ما در این سال ها از ارتجاع رنج می برده است. بازگشت به گذشته و بازتولید دوباره گونه های جعلی فیلمفارسی و سینمای شبه روشنفکری اصلی‌ترین عامل بحران زا شدن این عرصه شده است. سینمایی که بخشی از محصولاتش راهی جشنواره های خارجی می شوند و پیامی جز تحقیر ملت و کشورمان ندارند و بخش زیاد دیگری مضامینی به شدت دم دستی و نازل دارند.

بدون تردید مدیران فرهنگی و سینمایی کنونی از هواداران راستین اندیشه های رهبر کبیر انقلاب اسلامی هستند، اما مسیر سینمای ما طی سال های گذشته –از سال ۷۶ به این سو- خلاف آرمان های انقلاب و معمارش حرکت کرده است. واقعیت این است که دوری از شاخص های آرمانی باعث ایجاد این بحران ها شد. همچنان که دوری از این شاخص‌ها سینما را مبتلا به رنج های فراوانی نمود، راه درمان این دردها نیز رجعت و بازخوانی دوباره مطالبات امام خمینی(ره) از هنرمندان است.

پیام صریح و شورانگیز حضرت امام در سال ۶۷ که باید آن را مانیفست هنر رهایی بخش بدانیم و بنامیم، راه روشنی بود که برای هنر و هنرمندان نمایانده شد. که برای رسیدن به منازل مقصود، باید این راه را طی کرد. پیامی که خودش یک اثر هنری است و از این رو، الگو و سرمشقی هم برای هنرمندان و هم مدیران و سیاستگذاران و منتقدان و مدرسان این عرصه است.

گویی امام پیش بینی می کردند در آینده نزدیک، «مدعیان هنر بی درد»، که در واقع پیاده نظام سیاستمداران و سیاست بازان مدعی و بی درد هستند، با دو فرقه سینمای گیشه ای و شبه روشنفکری، خون فرهنگ اصیل را می مکند. امام خمینی(ره) با صدور پیام برای هنرمندان، تکلیف اهالی این عرصه را ماندن هنرمندان در کنار مردم و در مقابل ستمگران داخلی و خارجی دانستند. در جنگ جدید، - که امروز در اوج آن به سر می بریم- دو جبهه داخلی و خارجی در مقابل مردم کشورمان صف آرایی کردند. براساس بیانیه امام راحل هنرمندان در مقابل جبهه داخلی موظف به «تجسیم تلخکامی گرسنگان مغضوب قدرت و پول»، صیقل دادن «اسلام تازیانه خوردگان تلخ و شرم آور محرومیت ها» و کوبنده سرمایه داری و کمونیسم شدند. «ترسیم روشن عدالت و شرافت»، «نشان دادن نقاط کور و مبهم معضلات اجتماعی، سیاسی و نظامی»، «تصویر زالوصفتانی که از مکیدن خون فرهنگ اصیل اسلامی و فرهنگ عدالت و صفا لذت می برند»، از دیگر تکالیف هنرمندان ماست.از نگاه امام، هنرمندان می توانند مردممان را به حیات جاودان برسانند، مگر زمانی که مطمئن شوند مردم بدون اتکا به غیر، در چارچوب مکتبشان زندگی کنند.و در جبهه دوم هنرمندان موظف هستند تنها به هنری بپردازند که «راه ستیز با جهانخواران شرق و غرب» را نشان دهد.

بدون شک، گفتارها و نوشتارهای امام، شاخص آزادی سینما از این گرفتاری هستند. اگر به آن بازگشتیم، می توانیم انتظار تحول در این عرصه را داشته باشیم، در غیر این صورت، گرفتاری ادامه دارد.

تحلیل شصت و ششمین جشنواره فیلم کن در گفت وگو با سعید مستغاثی

هیاهوی بسیار به خاطر یک مشت دلار

جشنواره فیلم کن فرانسه در حالی شصت و ششمین دوره‌اش را پشت سر گذاشت که در آن، حواشی بر متن چیره شدند. بیشتر از اینکه خبرهای مربوط به مضمون فیلم‌ها و جلوه نمایی جریان‌های سینمایی را در این جشنواره بشنویم و بخوانیم، اخباری پیرامون تیراندازی، سرقت اموال مهمانان، به گروگیری تمهیدات امنیتی، رژه مبتذل بازیگران بر فرش قرمز، انتخاب سیاسی فیلم‌های برتر و ... می خواندیم و می شنیدیم! بحث برانگیزترین اتفاق، معرفی آثاری به عنوان بهترین فیلم بود که مضمونی همراستا با سیاست‌های روز کشور فرانسه داشت. آنچنان که رسانه‌های فرانسوی نیز فاش کردند که این انتخاب، فرمایشی و سفارشی بود. همچنین جشنواره کن باز هم مانند دوره‌های اخیرش، رویکردی ضدایرانی و مداخله جویانه را علیه کشورمان در پیش گرفت. هرچند، این بار هم کاروان پرجمعیتی از ایران، عنوان مدیر و خبرنگار راهی کن شدند. این مسائل، بهانه‌ای شد تا در گفت‌وگو با «سعید مستغاثی» رئیس سابق انجمن منتقدان سینما و کارگردان مجموعه مستندهایی چون «اینک آخرالزمان» و «از آرماگدون» جشنواره کن ۲۰۱۳ را بررسی کنیم.

تصویر روز

امسال هم رسانه‌ها و اهالی سینما در ایران مانور گسترده‌ای روی جشنواره فیلم کن داشتند و حتی کاروان پرجمعیتی هم از کشورمان به آنجا رفت. آیا واقعا جشنواره کن دارای این جایگاه و اهمیت است؟

واقعیت این است که اهمیت جشنواره کن در حد اهمیت همان شهری است که جشنواره در آن برگزار می شود و رسانه‌های جهانی معمولا اخبار محدودی را به آن اختصاص می‌دهند. کافی است به سایت های معتبر سینمایی مراجعه کنید تا به اهمیت جشنواره کن بیشتر پی ببرید. به عنوان مثال در شبی که قرار بود مراسم اختتامیه برگزار شود، سایت imbd که یکی از معتبرترین سایت های سینمایی جهان محسوب می شود، حتی یک خبر هم در صفحه اصلی خودش درباره کن منعکس نکرد. سایت‌های دیگر هم خبرهایی در حد مد لباس یا شایعه ای درباره فلان بازیگر و ... را کار کردند. وگرنه درباره خود جشنواره کن خبر خاصی نداشتند. این درحالی است که در کشورما نه تنها نشریات و سایت‌های سینمایی که حتی روزنامه ها و سایت های سیاسی هم این جشنواره را بازتاب گسترده‌ای دادند. متأسفانه این گونه بزرگنمایی ها همواره در رسانه‌های ما رواج داشته است.

به نظر می رسد جشنواره کن هم پیرو مراسم اسکار درحال از دست دادن اعتبار هنری خودش است و بیشتر جنبه سیاسی و اقتصادی یافته است. دلیل اصلی این مسئله چیست؟

سال های سال است که این اتفاق درحال رخ دادن است. همان طور که برگزار کنندگان جشنواره هایی چون کن، برلین، ونیز و ... گفته اند، این جشنواره ها روی شاخ کارتل ها و تراست های اقتصادی می چرخند. بودجه این جشنواره ها اغلب از طریق کمپانی‌های لباس، جواهرات، مد و ... که اغلب هم آمریکایی هستند تأمین می‌شود. به همین دلیل هم هست که به سینمای آمریکا باج می دهند و برخلاف قوانین شان که فیلم های اکران شده امکان حضور در این جشنواره را ندارند اما فیلم های اکران شده آمریکا را پذیرا هستند. حتی اغلب، فیلم مراسم افتتاحیه از میان آثار آمریکایی انتخاب می‌شود، همچنان که امسال یک فیلم تجاری آمریکایی را به عنوان فیلم افتتاحیه نمایش دادند. این موضوع درباره انتخاب اعضای هیئت داوران نیز صادق است. به طوری که در این دوره دیدیم، ریاست هیئت داوران به اسپیلبرگ واگذار شد که یک کارگردان نشان دار آمریکایی است. جشنواره کن برخلاف ادعایش که خود را هنری می‌داند، یک جشنواره کاملا تجاری و آمریکایی است. حتی از اسکار هم تجاری تر است. اسکار تنها ۳، ۴ ساعت مراسم فرش قرمز دارد اما در جشنواره کن ۱۱ روز مراسم فرش قرمز برگزار می شود و همه اتفاقات روی فرش قرمز می افتد. اگر این بازیگران آمریکایی روی فرش قرمز رژه نروند و توجه مردم را به خود جلب نکنند و تازه ترین مدل های لباس و جواهرات را تبلیغ نکنند اصلا جشنواره تعطیل می‌شود. همان طور که در یک دوره، با کاهش حمایت های کمپانی‌ها نزدیک بود این اتفاق بیفتد.

آیا انتخاب فیلمی همراستا با سیاست‌های این روزهای دولت فرانسه به عنوان بهترین فیلم این دوره جشنواره کن هم بخشی از همین رویکرد است؟ چون برخی از رسانه های غربی گزارش‌هایی مبنی بر تحمیل نام برگزیده به هیئت داوران داشتند.

خود هیئت داوران هم به نوعی فشل بود. به جز اسپیلبرگ و آنگ لی، بقیه افرادی گمنام و فاقد سابقه روشنی بودند؛ و البته نیکول کیدمن که دیگر از رده خارج است! ضمن اینکه اسپیلبرگ و آنگ لی هم دارای گرایش های روشنی هستند؛ انگ لی خودش فیلم همجنس گرایانه ساخته بود و فیلم اخیرش نیز یک فیلم شرک آمیز است. اسپیلبرگ هم که تکلیفش مشخص است و عضو لابی یهودی-صهیونیستی محسوب می شود؛ گروهی که در آمریکا دولت را همواره به تصویب قوانینی چون همجنس گرایی و ممنوعیت سقط چینن ترغیب می کنند. به نظر می رسد که از ابتدا تعیین این هیئت داوران برای رسیدن به چنین نتیجه ای بود. به خصوص اینکه خود جشنواره فیلم کن و سینمای فرانسه هم همواره ادعای پرده دری زیر لوای آوانگاردیسم داشته است.

به نظر می رسد که جشنواره کن یکی از اهدافش جذب نخبگان سینمایی سایر کشورها و هضم آن ها در فرهنگ غرب است.

البته فیلم سازهایی که به سمت خودشان جذب می کنند چندان نخبه به نظر نمی رسند. امثال رسول اف، جعفر پناهی آثارشان از نظر ساختاری بسیار ضعیف است و هیچ گاه فیلم ساز نخبه نبوداند. این قضیه به همان سمت و سوی عمل کردن جشنواره کن در جهت منافع کمپانی های آمریکایی بر می گردد. چون این کمپانی ها چند وجهی اند. یعنی اقتصادی، نظامی و سیاسی هستند. یک کمپانی که انحصار لباس و مد را در اختیار دارد از طرف دیگر به تینک تنک های سیاسی و زرادخانه ها و کارخانه های اسلحه سازی مربوط می شود. به همین دلیل جشنواره فیلم کن مجبور است در جهت خواسته‌های آن ها عمل کند. یکی از محورهای اساسی این کمپانی ها مقابله با ایران و اسلام ستیزی است. دم دستی ترین آثار برای نیل به این مقصود هم همین فیلم های زیرزمینی هستند که یک فیلم های سوپر هشت آماتور دهه ۶۰ از این فیلم ها قوی تر است! انتخاب و نمایش این گونه آثار گویای غرض ورزی های سیاسی و عنادورزانه دست اندرکاران این جشنواره است و نشان می دهد جشنواره کن هیچ نسبتی با هنر و سینما ندارد. همین که جشنواره کن به فیلم سازهایی چون اینگمارگرمن که نزد غربی ها کارگردان های بزرگی به حساب می آیند،هیچ وقت جایزه نداده، تکلیف را روشن می کند. فیلم آقای فرهادی هم چون سرمایه اش توسط اتحادیه اروپا داده شده مجبور بودند بپذیرند. من هنوز این فیلم را ندیده ام اما از مجموع نظرات بر می آید که از نظر ساختاری قوت چندانی ندارد.

هر سال کاروانی از مسئولین و فیلم ساز ها و اهالی رسانه راهی کن می شوند. آن ها مدعی اند که این جشنواره یک فرصت است که نباید از دستش داد. نظر شما چیست؟

این همان ماجرای جوگیر شدن مسئولین ماست. همان طور که درباره یک جشنواره محلی به نام اسکار جوگیر می شوند و ادعای لابی گری می کنند و هر سال هم دور هم می نشینند و برای آن فیلم انتخاب می کنند؛ درحالی که می دانند این رویداد ربطی به سینمای ما ندارد. درباره جشنواره کن هم همین اتفاق می افتد. از سال های پیش انگار این جشنواره مراد مسئولین سینمایی ما بوده است! آن ها هر سال با هزینه کردن از جیب ملت به کن می روند و گردش و تفریح می کنند و مسائلی مثل حضور در بازار فیلم و فروش آثار و مذاکره با خارجی ها را دلیل حضورشان می دانند، اما هیچ گاه نتایج این گونه مسافرت ها به طور روشن اعلام نمی شود. به نظرم مجلس و نهادهای نظارتی باید وزارت ارشاد و مسئولین سینمایی را هدف پرسش قرار دهند که چرا در این شرایط اقتصادی از بیت المال خرج می شود تا عده ای به این جشنواره بروند و هیچ نتیجه مثبت و قابل توجهی هم نداده است؟ آن هم در شرایطی که هر سال موضع گیری ضدایرانی جشنواره فیلم کن شدیدتر می‌شود، اما در مقابل، مسئولین سینمایی ما به آن ها باج می دهند.

با تشکر از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید.

من هم از شما ممنون هستم.

*** اگر این بازیگران آمریکایی روی فرش قرمز رژه نروند و توجه مردم را به خود جلب نکنند و تازه ترین مدل های لباس و جواهرات را تبلیغ نکنند اصلا جشنواره تعطیل می شود.**

دربارهٔ برنامهٔ پایش

شفاف سازی اقتصادی به روایت سیما

در دنیای کنونی اطلاع رسانی، شفاف سازی و تبلیغات، اهرم هایی هستند که بخوبی می توان از آنها در رسیدن به اهداف و همراه کردن دیگران در این مسیر استفاده کرد. حال اگر رسانه نیز در این راستا به خدمت گرفته شود، می توان بیش از پیش به موفقیت در دستیابی به اهداف امیدوار بود.

چندی است رسانه ملی در راستای تحقق شعار حمایت از کار و سرمایه ملی، اقدام به تهیه و پخش برنامه "پایش" کرده که " تحلیل آخرین تحولات اقتصاد ایران و جهان " از جمله اهداف آن است. این برنامه که یکشنبه شب ها حدود ساعت ۲۳ از شبکه یک پخش می شود هر بار یک مسئول یا کارشناس اقتصادی و یک کارآفرین نمونه ملی را دعوت و سعی می کند علاوه بر امید بخشی به مردم برای حضور در عرصه های اقتصادی ، اخبار مربوط به اوضاع اقتصادی داخل و خارج کشور را نیز تحلیل کند.

در ضرورت شفاف سازی اخبار اقتصادی و تحلیل آخرین تحولات اقتصاد ایران و جهان باید گفت همه روزه خبرهای اقتصادی متعددی از رسانه های مختلف منتشر می شود اما به دلیل خام و پنهان بودن واقعیت و زوایای پشت پرده این اخبار، امکان ایجاد ذهنیت منفی از اقتصاد داخلی و تصورکاذب از رشد اقتصاد کشورهای خارجی وجود دارد که اهمیت شفاف سازی و تحلیل اخبار اقتصادی را بیش از پیش آشکار می کند. هرچند اوضاع اقتصادی کنونی کشور و بالا رفتن بی رویه قیمت کالاهای مورد نیاز برای مردم مشکل ساز شده است، اما نکته ای که به نظر می رسد باید به آن توجه کرد و خوشبختانه در برنامه «پایش» به آن توجه شده بروز مشکلات شدید اقتصادی در اکثر کشورهای اروپایی و آمریکایی است که سبب اعتراضات گسترده خیابانی مردم این کشورها شده است. اما خوشبختانه برنامه پایش با توجه به اخبار اقتصادی کشورهای غربی و گنجاندن بخش تحلیل و شفاف سازی اخبار اقتصادی ایران و جهان تا حد زیادی توانسته به بینندگان برنامه کمک کند درک بهتری از اوضاع اقتصادی داخل کشور و کشورهای خارجی داشته باشند، و این آگاهی را به آنها بدهدکه رکود اقتصادی، تورم و کاهش

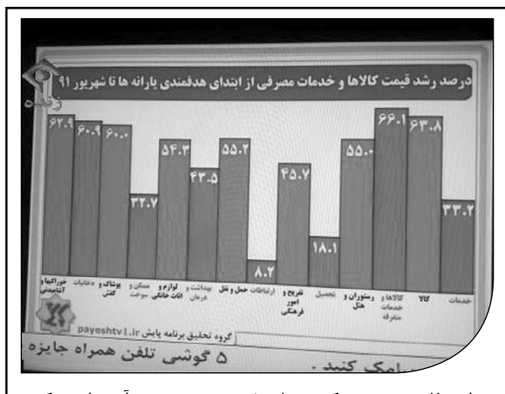

سطح رفاه عمومی در کشورهای غربی نیز به وجود آمده است که دلایلی فراتر از سطح ملی دارد. هر چند نباید ضعف های نظارتی و قانونی را در وضع اقتصادی کنونی کشور نادیده گرفت اما به نظر می رسد "پایش" با بهره گیری درست از دانش کارشناسان اقتصادی و ریشه یابی مشکلات اقتصادی ایران و جهان توانسته گام مثبتی در ایجاد امید وکم کردن فشار روانی ناشی از این مشکلات بر مردم، بردارد و جایگاه خود را در بین برنامه های شبانگاهی تثبیت کند.

سینا گلزاری

صداوسیما؛ دانشگاه عمومی، رسانه مردم انقلابی

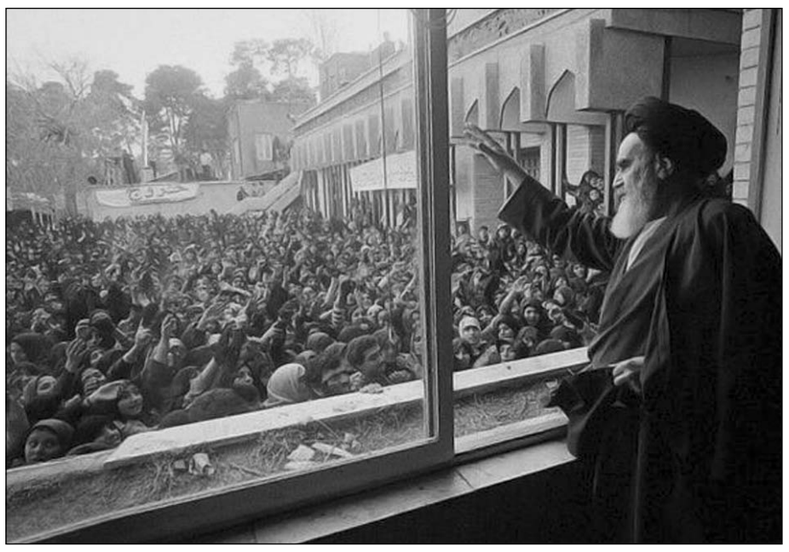

منشور رسانه ملی در گفتار امام خمینی(ره)

صدا و سیما بین رسانه های عمومی کشور، به خاطر حضور گسترده، مؤثر و فراگیرش از اهمیت بسزایی برخوردار است. به همین دلیل هم همواره در نگاه امام خمینی(ره) نوعی دغدغه و نگرانی نسبت به این دستگاه عظیم دیده می شود. ارائه و انعکاس مسایل بر سیر اسلام، لزوم ارزش دادن به مردم و نظارت بر خیر و شر کارها، پرهیز از تقلید از غرب، تعبیر دانشگاه عمومی و نظارت بر فیلم ها ازجمله شاخص هایی هستند که در گفتارهای امام راحل درباره صداوسیما قابل بررسی است.

از جمله اینکه فرموده بودند:

«از اوّلی که رادیو و تلویزیون در اختیار جمهوری اسلامی واقع شد، راجع به آن نگرانی داشتم. برای این که این سازمانی است که اگر خوب باشد، مملکت ما خوب می شود و اگر فاسد باشد، ممکن است که بسیار فساد ایجاد کند. از این جهت تذکراتی باید به شما بدهم. یکی این که این دستگاه رادیو و تلویزیون که در خانه های حتی روستاها، در همه جا نفوذ دارد، اگر صددرصد اسلامی نشود، معنایش این است که اسلام در ایران پیاده نشده است. اگر بنا باشد، رادیو و تلویزیون در خدمت دسته ای و یا گروهی که منحرف هستند و اعوجاج دارند، قرار داده بشود، ممکن است که سرتاسر مملکت را به فساد بکشد. از این جهت شما موظفید، هم وظیفه شرعی و هم وظیفه قانونی دارید که دستگاه رادیو- تلویزیون را از گروه هایی که منحرف هستند و یا ارتباط با رژیم سابق داشتند و در خدمت آنها بوده اند، تصفیه کنید... پافشاری من نسبت به رادیو- تلویزیون بیشتر از چیزهای دیگر است. برای این که این فسادش موجب فساد ملت و جامعه می شود. برای این که چیزی که در اینجا گفته می شود، سرتاسر مملکت آن چیز پخش می شود و انحراف در سطوح مملکت و هم چنین در خارج پیدا می شود.»

در جای دیگر امام راحل می فرمایند:

«بنابراین رادیو- تلویزیون از تمام رسانه هایی که هست، حساس تر است... این را نه روزنامه می تواند، نه سینما می تواند، نه تئاتر می تواند، نه تبلیغات لفظی که در منابر است، می تواند، برای این که اینها همه شعاعشان محدود است. رادیو شعاعش مثل تلویزیون است، لکن فقط سمعی است. تلویزیون هم سمعی است و هم بصری. تبلیغات تلویزیون می تواند از راه سمع مردم را یا تربیت کند یا منهدم کند».

امام راحل(ره) دغدغه های فراوانی نسبت به رسانه ملی داشتند

*** خطر رسانه های گروهی در صورت انحراف، قابل مقایسه با خطر انحراف در وزارتخانه ها و ادارات نیست. چرا که مردم غالباً از مسایل آنها به طور کامل مطلع نمی شوند، ولی انعکاس مسایل در رسانه‌ها، تأثیر سریع و فوری دارد.**

و در اکثر بیانات خویش به اسلامی کردن این رسانه در تمام ابعاد تأکید ویژه داشتند:

«من همیشه از این رادیو و تلویزیون نگرانی داشته ام. برای این که این رادیو- تلویزیون یک بنگاهی است که از تمام این رسانه‌های گروهی مهم تر است. برای این که در تمام دهات، در تمام شهرستان‌ها، تقریباً عمومی شده است. رادیو و تلویزیون هم تقریباً و آناً هر مطلبی واقع می شود، همه جای ایران و خارج متوجه می‌شوند و این رادیو- تلویزیون باید اصلاح بشود، یعنی باید متحول بشود به یک بنگاه تعلیمی، آن هم تعلیمات اسلامی و اخباری که در آنجا گفته می شود، و باید برخلاف موازین اسلام نباشد که هر گروهی بخواهند، توطئه کنند، بیایند در رادیو و تلویزیون حرف‌هایی بزنند که توطئه آمیز باشد. البته نه این که ما می گوییم باید سانسور باشد، ما می گوئیم باید برطبق اسلام و ملت باشد.»

خطر انحراف رسانه

خطر رسانه های گروهی در صورت انحراف، قابل مقایسه با خطر انحراف در وزارتخانه ها و ادارات نیست. چرا که مردم غالباً از مسایل آنها به طور کامل مطلع نمی شوند، ولی انعکاس مسائل در رسانه ها، تأثیر سریع و فوری دارد. حضرت امام(ره) می فرمایند:

«قضیه رادیو و تلویزیون فرق دارد با قضایای دیگر و ممکن است، در یک وزارتخانه یک مطلب خلافی بشود، بعد از ۱۰ سال دیگر هم مردم نفهمند، رادیو و تلویزیون اگر یک کار خلافی بشود و بخواهد یک چیزی باشد که برخلاف شرع، برخلاف مسیر ملت یک چیزی نمایش داده بشود یا گفته بشود، همان روز اول و ساعت اوّل همه کشور- سرتاسر کشور یک دفعه ملتفت می شوند که یک همچو مسئله ای است. از این جهت، این دستگاه حساس ترین دستگاهی است که در مملکت موجود است، یعنی از حیث این که در رادیو و تلویزیون هم چشم می بیند، هم گوش می شنود، آن هم در یک سطح وسیع همه جایی و رادیو در خارج هم پخش می شود و همه آنجاهایی که موجش می رود، اطلاع برآن پیدا می‌کنند و اگر خدای نخواسته این دستگاه یک وقتی نقیصه داشته باشد، یعنی بر مسیر ملت نباشد، بر مسیر اسلام نباشد، این خطرش بیشتر از این است که وزارت مثلاً فلان بر مسیر اسلام نباشد. این وقتی بر مسیر اسلام نیست، سرتاسر ایران و بسیاری از کشورها می فهمند به این که این بر مسیر اسلام نیست.»

لزوم ارزش دادن به مردم و نظارت بر خیر و شر کارها

امام عزیزمان از روز اوّل نهضت نسبت به مردم و ارزش دادن به آنها بسیار حساس بودند و تأکید فراوانی نسبت به آن داشتند.

«آن قدر که پابرهنه ها به رادیو- تلویزیون حق دارند، ما نداریم. این یک واقعیت است و تعارف نیست. واقع این است که آنها این نظام را درست کرده اند و این نهضت را به وجود آوردند، همین جمعیت هستند که پیروزی ها را به دست آوردند، از قشر بالا کسی در این مسئله حقی ندارد. البته ما هم در اصل مطلب شرکت داشته ایم، امّا حق با آنهاست. من مدت هاست که وقتی می بینم رادیو- تلویزیون را هر وقتی بازش می کنم، از من اسم می برد، خوشم نمی آید. ما باید به مردم ارزش بدهیم، استقلال دهیم و خودمان کنار بایستیم و روی خیر و شر کارها نظارت کنیم.»

پرهیز از تقلید از غرب در رسانه ملی

امام راحل(ره) نسبت به تقلید از غرب در تمام ابعاد به شدت حساس بودند و هراز چندگاهی به مسئولان هشدار می دادند و خطر آن را گوشزد می کردند.

«من صریحاً می گویم، ما نمی خواهیم نه غرب و نه شرق از ما تعریف کنند، نمی خواهیم، روشنفکران غرب زده و قلمداران خودفروخته از ما تعریف بکنند. ما می خواهیم یک مسئله ای را که اسلام می فرماید، عمل بکنیم و برای کشورمان خدمت بکنیم.»

و «باید کاملاً توجه داشت که به هیچ وجه ما نباید مقلد شرق و غرب باشیم، زیرا تقلید از شرق و غرب با رادیو- تلویزیون اسلامی نمی سازد. باید کاملاً مراقبت کنید و خوف از گفته ها و نوشته های این روشنفکران غرب زده ابداً نداشته باشیم.»

دانشگاه عمومی

رسانه ها با موقعیت فراگیری که دارند و به دلیل ارتباط همه روزه و مستقیم با اقشار مختلف مردم در جهت گیری و تربیت صحیح آنان نقش مؤثری دارند. به تعبیر حضرت امام(ره) از صدا و سیما به عنوان دانشگاه، حکایت از این نقش ویژه دارد.

«رسانه های گروهی به ویژه صدا و سیما، این مراکز آموزش و پرورش عمومی می توانند، خدمت های گرانمایه ای را به فرهنگ اسلام و ایران نمایند. بنگاه هایی که شب و روز، ملت در سراسر کشور با آنها تماس سمعی و بصری دارند، چه مطبوعات در مقالات و نوشتارهای خود و چه صدا و سیما در برنامه ها، نمایشنامه ها، انعکاس هنرها، انتخاب فیلم ها و هنرهای آموزنده باید همّت گمارند و بیشتر کار کنند و از گردانندگان و هنرمندان متعهد بخواهند تا در راه تربیت صحیح و تهذیب جامعه وضعیت تمام قشرها را در نظر گرفته و راه و روش زندگی شرافتمندانه و آزادمنشانه را با هنرها و نمایشنامه ها به ملّت بیاموزند و از هنرهای بدآموز و مبتذل جلوگیری کنند. ملت عزیز در طول پنجاه سال سیاه اخیر گرفتار مجلات و روزنامه های تخریب کننده و فاسدکننده نسل جوان و از آنها بدتر سینماها و رادیو- تلویزیون بود که با برنامه های خود، ملت را به حد وافر در آغوش غرب و غربزده ها غلتانید و ضررهای

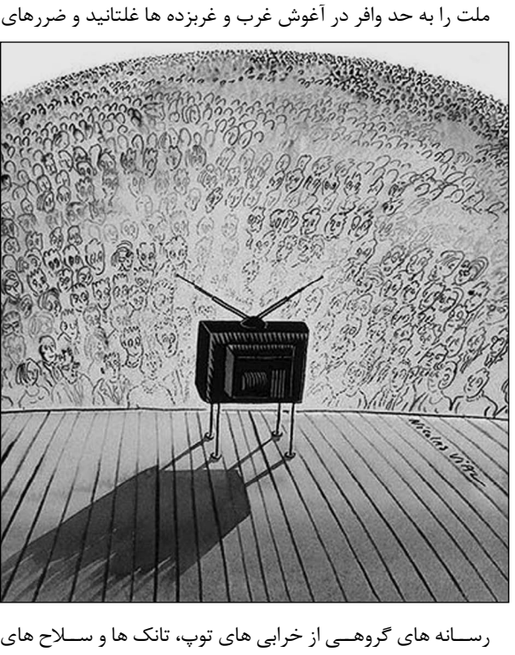

رسانه های گروهی از خرابی های توپ، تانک ها و سلاح های مخرب بالاتر و بدتر است، چه که ضررهای سلاح ها گذرا است و ضررهای فرهنگی باقی و به نسل های بعد انتقال پیدا می کند ... اگر به طور قاطع با آنان برخورد نشود، خطر ولو در درازمدّت، کشور را تهدید می کند و سهل انگاری در این امور ساده اندیشی است.»

نظارت بر فیلم ها

از مهم ترین کارکردهای رسانه ملی در سطح جامعه نمایش فیلم های داخلی و وارداتی است که از اهمیت بسزایی برخوردار است. امام راحل(ره) نسبت به پخش این فیلم ها و نظارت بر آنها می گویند:

« کسانی که فیلم درست می کنند، باید خیلی دقّت روی آن بشود. یعنی ما همه موظفیم به این که کاری انجام بدهیم که موافق با مقصد جمهوری اسلامی که همان مقاصد اسلامی است، باشد و هیچ خوفی از این نداشته باشیم که ما اگر فرض کنید، فلان فیلم را درست کنیم، به ما می گویند که اینها چه هستند. ما بالاخره در این دنیا الآن معرفی شدیم، به یک ملت ارتجاعی و یک ملتی که تقریباً یک هیولایی از جمهوری اسلامی دارند، درست می کنند».

از نظر امام راحل(ره) فیلم های ایرانی مورد مقبولند و نسبت به گسترش این گونه فیلم ها تأکید دارند:

« غالباً فیلم هایی که خود ایرانی ها درست می کنند، به نظر بهتر از دیگران است، مثلاً فیلم گاو آموزنده بود. امّا حالا این فیلم ها باید حتماً از امریکا یا از اروپا بیاید، با یک بی‌بندوباری، تا روشنفکران غربزده شاد شوند. فیلم هایی که از خارج به ایران می آید اکثراً استعماری است. لذا فیلم های خارجی استعماری را حذف کنید، مگر صددرصد صحیح باشد. در هر صورت این به عهده شما و مسئولین آنجاست.»

یا در جای دیگری امام عزیزمان به مراقبت در پخش فیلم ها اشاره می کنند:

«توجّه کنید که فیلم ها یک فیلم های انحرافی نباشد. فیلم‌هایی نباشد که مثلاً فرض کنید، یک منظره هایی که سابقاً بود و انحرافات برای جوان های ما ایجاد می کرد ... حتی آنی که برای بچه ها نمایش داده می شود، باید یک جوری باشد که این بچه از اول طوری بار بیاید که مستقل باشد در فکر. مستقیم باشد و متعهد بار بیاید و همین طور فیلم های بالاتر باید خیلی توجه به آن بشود که رسیدگی بکنید، نظارت بکنید. نگذارید، دست اشخاصی که متعهد نیستند. اگر پیدا شدند، اشخاص، باید به آنها حالی کنید، اگر نمی‌شود، تصفیه کنید و این امر یک امر ضروری و لازم است.»

به امید روزی که بتوانیم جلوی شهدا و امام سربلند باشیم که توانستیم با بودجه بیت المال، رسانه ای شایسته جمهوری اسلامی ایران داشته باشیم.

ترانه عطا